

داکتر سیدموسی صمیمی

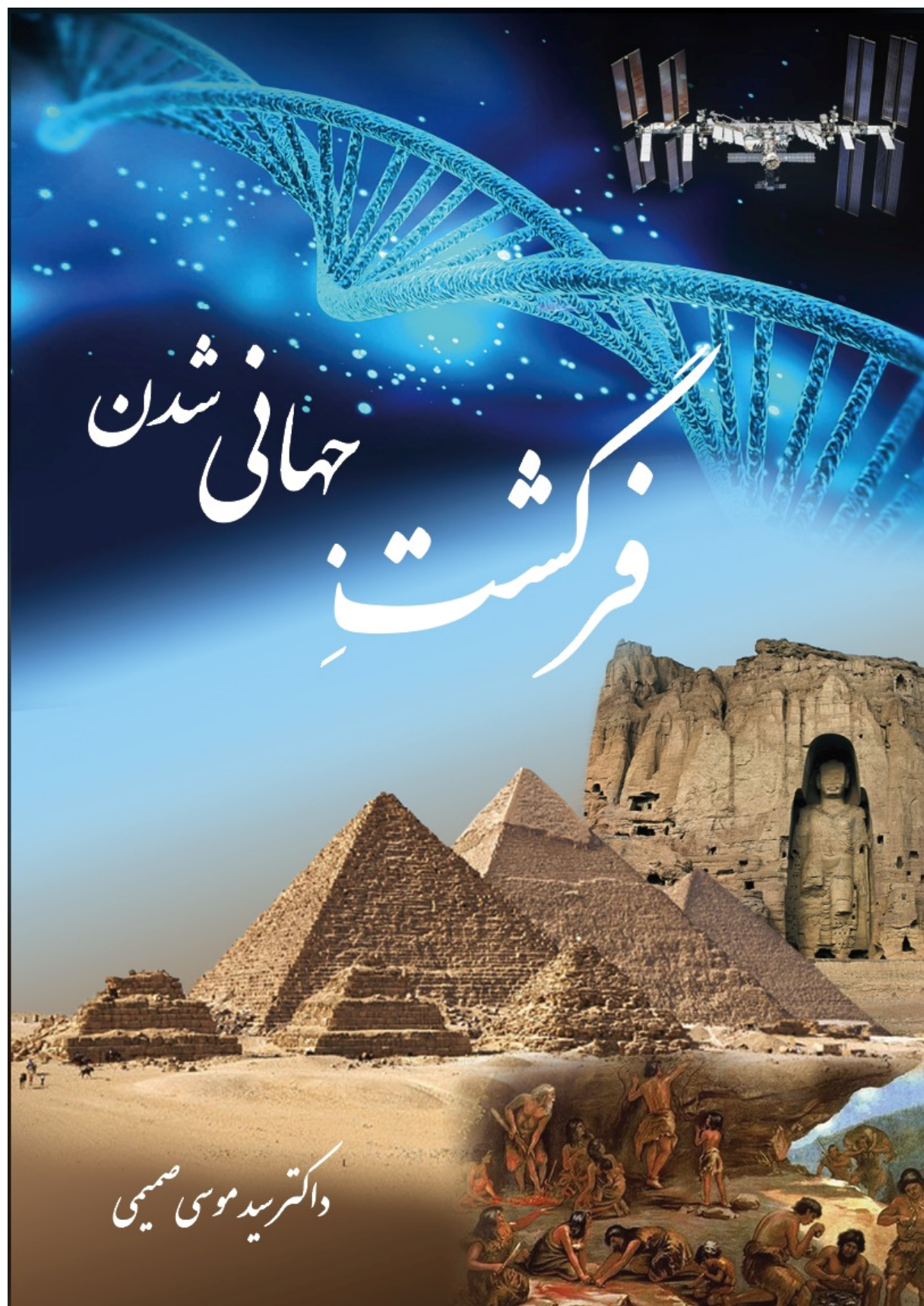
۲۷ ام دسامبر ۲۰۲۱

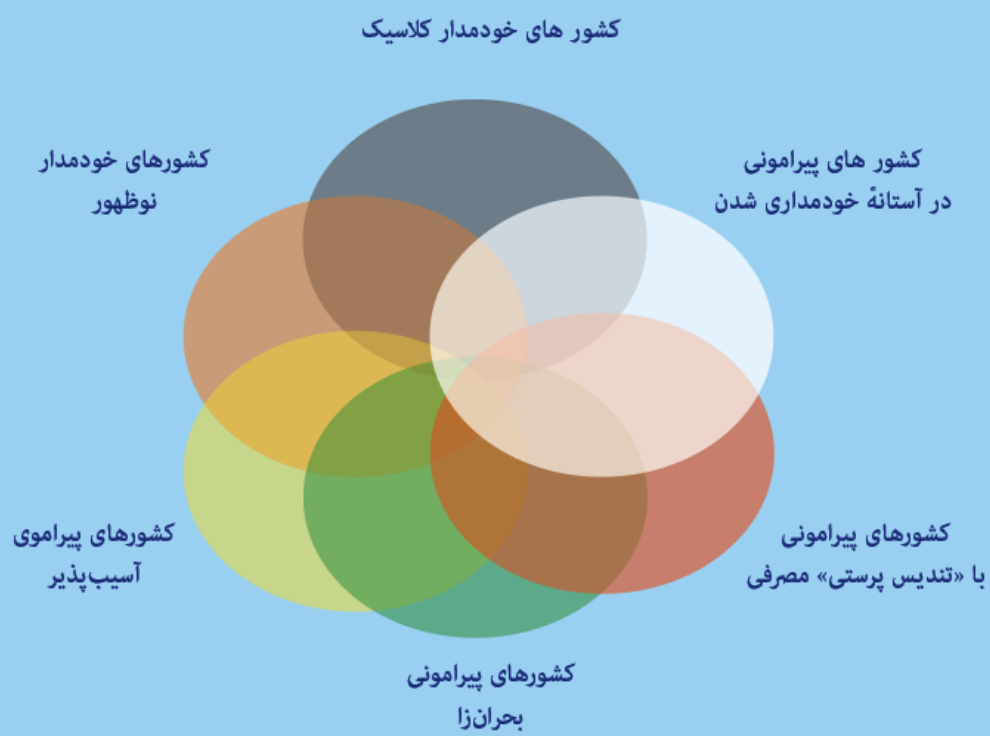
اثر جدید این جانب تحت عنوان

"فرگشت جهانی شدن" - جهانی شدن در پرتو اقتصاد سیاسی -

به چاپ سپرده شد.

چگونگی دست رسی به این اثر را بعد تر با علاقمندان در میان میگذارم.
ولی اکنون نکات و مشخصات چندی از این اثر را با دوستان شریک میسازم.





برای حرفه‌ای نگار، نگار پر کرده
برای حرفه‌ای نگار، نگار پر کرده
برای حرفه‌ای نگار، نگار پر کرده
برای حرفه‌ای نگار، نگار پر کرده

احمد باب

راحمیان راه آزاد گستر و رفاه بنگاه

اثر "فرگشت جهانی شدن" فرآورده سه سال کار مسرت بخش پژوهشی بوده که در آن "آرمان‌گرایی‌های" پنج‌ه ساله سیاسی‌میدانی نویسنده نیز تعبیه‌گردیده اند.

نویسنده نخست از دهه‌های داکتر رسول رحیم، دانشمند فرهیخته و مبارز نستوه اظهار اعتقاد و سپاس زیاد مینماید. آقای رسول، هم‌نوی گران لرح سیاسی بخود زحمات فراوانی پربار روا داشته و با دقت نظر و شکیبایی ویژه خودشان، پس از بازخوانی، مقدمه‌های درخور ستایش بر این اثر نوشته‌اند که بی‌انگور شیوه‌خرد گرایی انتقادی ایشان می‌باشد.

هنر نادر، خانم پویا و فرزانه و هم‌چنان نخستین بانوی ناشر افغانستان که در بیرون مرزها فعالیت فرهنگی دارد، در بخش طرح پستی، برگ‌آرایی، چاپ و نشر این اثر تلاش‌های زیاد نموده‌اند. نویسنده از زحمات بارور و لطف بی‌شایه ایشان نیز سپاس فراوان می‌نماید.

ولی بزودی باید افزود که مسئولیت و بار هر نوع کاستی را در این اثر تنها و تنها خود نویسنده بر دوش میکشد.

شانه

فرگشت جهانی شدن
دکتر سید موسی صمیمی

ناشر: همایش اقتصاد سیاسی
Forum of Political Economy
Promoting Dialogue and Discourse
Meckenheim - Germany

زمان چاپ: اکتوبر ۲۰۲۱
برگ‌آرایی: منیره نادری
چاپ: انتشارات شاهنامه، هالاند
info@shahnama.com

شانه

دیاچه: چرا فرگشت؟/۶

جهانی شدن "چو مار بر سینه کوه‌ها تنیده راهی"

مقدمه: بقلم داکتر رسول رحیم

پیش‌گفتار: گستره بررسی

فهرست مندرجات

بخش اول

"جهانی شدن" به مثابه یک فرایند پویا و همیشگی/۱۱

اول: ابعاد پنج‌گانه ای جهانی شدن معاصر/۱۵

تأثیرپذیری و تاثیرگذاری عوامل بنیادی جهانی شدن

دوم: نگاه گذرا به فرایند جهانی شدن باستان/۱۹

نظام‌های باج‌گیر درونی و غارتگر بیرونی

سوم: جهانی شدن استوار بر شیوه تولید سرمایه داری/۲۲

ظهور و رشد شیوه تولیدی غارتگر و استعماری سرمایه داری

بخش دوم

"جهانی شدن" پس از سال های ۴۶/۱۹۴۵

دوقطبی شدن جهان پس از جنگ

اول: اهرم های ساختاری نظام سیاسی-اقتصادی پس از جنگ/۴۷

از "کنفرانس یالتا" تا "کنفرانس برتون وودز"

دوم: زیرساخت مادی نظام پس از جنگ/۴۵

ایالات متحده آمریکا با توانایی های بزرگ اقتصادی

سوم: طرح سه بعدی ایالات متحده آمریکا در قبال نظام جهانی/۷۱

هژمونی، امپراتوری و غلبه بر کمونیسم

چهارم: بافت نظری نظام اقتصادی پس از جنگ/۸۴

تافته ای از نظرات "نوکیزیانیسم" و "نولیبرالیسم"

پنجم: ارزیابی انتقادی گفتمان تیوری های رشد و انکشاف/۸۹

زمانی که "روستو" "مارکس" را به چالش میخواند

ششم: امپراتوری ایالات متحده آمریکا، "یک فرماسیون استثنایی؟"/۹۵

نظام سرمایه داری لجام گسیخته با الهام از "فرضیه تنازع بقا"

هفتم: فراز و فرود جنبش غیر متعهد/۱۰۸

از "دژ مقاومت سیاسی" تا "کارگاه تولیدی جهانی"

هشتم: "مارکسیسم شوروی"، شالوده "سوسیالیسم واقعاً موجود"/۱۱۲

زمانی که "کارل مارکس" اشک میریزد

بخش سوم

"جهانی شدن" پس از سال های ۱۳۸/ ۱۹۹۰

"جهانی شدن تک قطبی" ایالات متحده آمریکا

اول: گفتمان دکترین "پایان تاریخ"/۱۳۹

"فوکویاما" در بند "نگاه ایدئالیست تاریخی هگل"

دوم: استراتژی سلطه ای بلامنازع واشنگتن بر جهان/۱۴۷

زمانی که ایالات متحده آمریکا فخر میفروشد

سوم: سیمای از لایه سرمایه دار های فرامرزی و "دولت پنهان"/۱۵۲

"نخبگان کرسی نشین" در خدمت "غول پیکران مالی"

چهارم: ادغام "شبه انباشت بدوی" در "انباشت سرمایه جهانی"/۱۶۳

همزمانی اقتصادی دو پدیده نا همزمان

پنجم: "همایش اقتصادی جهان" در رویارویی با "همایش اجتماعی جهان"/۱۶۶

"داووس" و "پورتو الگر": دو جایگاه، بیانگر دو راه یافت مختلف

ششم: ایالات متحده آمریکا بر فراز برج "بزرگ منشی"/۱۶۸

تولید نا خالص داخلی، بیانگر توانایی های فراز قبل از فرود آمریکا

بخش چهارم

"جهانی شدن" پس از سال های ۱۷۳/۲۰۰۸

فرود کشور های خود مدار کلاسیک و رستاخیز قدرت های نوظهور

اول: بحران ترکیدن "حباب مسکن و مستغلات"/۱۷۴

الزامات هم سازی "نولیبرالیسم" با "نوکیزیانسم"

دوم: نهادینه سازی مدیریت بحران/۱۸۷

"گروه هفت"، "مدیران عامل" با استفاده ابزاری از "گروه بیست"

سوم: دگرگونی ساختاری کشور ها در پرتو "شاخص جهانی شدن"/۲۰۱

قطب بندی های تازه در راستای روابط هژمونی و امپراتوری

چهارم: پیامد های اقتصادی دگرگونی ساختاری کشور ها/۲۴۹

فرود کشور های خودمدار کلاسیک و رستاخیز امپراتوری های آسیایی

بخش پنجم

امپراتوری ایالات متحده آمریکا در بند "افت تاریخی"/۲۵۷

دونالد ترامپ، بازتاب واپس گرایی "سرزمین استثنایی"

اول: ساختار فکری و چگونگی روانی دونالد ترامپ/۲۵۸

فرصت طلب، عوام فریب و خود شیفته

دوم: کارنامه سیاسی- اداری ترامپ/۲۶۷

شتاب زده، اسپنتی و نا شکیا

سوم: ابرهای تیره و تار بر فراز "برج ترامپ"/۲۷۷

شیوع کرونا، جنبش رنگین پوستان و بحران اقتصادی

چهارم: استراتژی ترامپ مبنی بر خروج از نهاد های جهانی/ ۲۸۱

انزوا گرایی خلاف خواست سرمایه ای فرامرزی امریکا

پنجم: ارزیابی انتقادی یک چهره زشت امریکایی / ۲۹۲

ترامپ، نماد پوپولیسم ویرانگر قرن بیست و یکم

ششم: یورش به کنگره، مهد دموکراسی امریکا/ ۳۰۰

واپسین پرده ای نمایش نامه تراژیدی/کمدی ترامپ

هفتم: توهم برگشت به "سلطه بلامنازع امریکا" / ۳۰۲

"پیروزی آسیب پذیر" جو بایدن

بخش ششم

دگرگونی "حوزه تمدنی" چین کهن/ ۳۰۸

از "امپراتوری آسمانی" تا "میریتوکراسی حزبی"

اول: نگاه گذرا به ویژگی های امپراتوری های باستان چین/ ۳۰۹

ساختار های "مرکز گرای پاتری مونیال" در مبارزه با "دولت-شهر ها"

دوم: امپراتوری "منجو"، آخرین امپراتوری چین در "قرن تحقیر" / ۳۲۲

سون یات-سن با تلاش های هدفمند "ملی گرایی"

سوم: راه پر پیچ و خم "حزب کمونیست چین" / ۳۲۲

مائو تسه-دون، "مردی که کوه را از جا بر میکند"

چهارم: "دوران گذار" به "سوسیالیسم نوع چینی" / ۳۵۱

"چین نوین"، بازتاب مبارزات چند بعدی "قرن تحقیر"

پنجم: پس از "انقلاب صنعتی" استراتژی درهای باز/ ۳۷۰

دنگ سیاو پینگ، پسر روستایی آبدیده ای عمل گرا

ششم: چگونگی "نظام مختلط اقتصادی-سیاسی" / ۳۷۹

حکم رانی "میریتوکراسی حزبی"

هفتم : استراتژی دوگانه گسترش روابط امپراتوری/ ۳۹۲

شی جن پینگ: چین مانند "شیر بیدار شده ای مسالمت آمیز"

بخش هفتم

تباین و تبانی غول پیکر های اقتصادی/ ۴۱۱

گفتمان تاریخی "تله ای توکی دیدیس"

اول: گسترش بی پیشینه ای نظام سرمایه داری/۴۱۲

روابط تنگاتنگ "دهکده جهانی"

دوم: توانایی های ملی چین رو به فراز و امریکای رو به فرود/۴۲۴

شاخص های بزرگ منشی "امپراتوری آسمانی" و "سرزمین استثنایی"

سوم: توکی دیدیس، وقایع نگار پر بانگ یونان باستان/۴۳۷

"تله ای توکی دیدیس" در بوته آزمون تاریخی

چهارم: سندرم درگیری حوزه نفوذی و امپراتوری جهانی/۴۴۳

لایه های مختلف کشمکش بین چین و امریکا

پس گفتار: دور نمای تیره و تار "دهکده جهانی"/۴۶۰

گذرگاه تنگ رهایی از "چنبره اهریمنی" نولیبرالیسم

چکیده پژوهش نامه/۴۶۶

رویکرد ها/۴۶۸

کتاب ها/۴۸۴

زندگی نامه و آثار نویسنده/۴۹۳

دیباچه: چرا فرگشت؟

جهانی شدن "چو مار بر سینه کوه ها تنیده راهی"

واژه **فرگشت** در واقع بیشتر در علوم زیست شناختی بکار برده میشود. فرگشت یا تکامل تدریجی در زیست شناختی به معنی دگرگونی در یک یا چند ویژگی وراثت است که در درازای زمان در موجودات زنده رخ می دهند. یکی از رمز های پدیده فرگشت (Evolution) در این نکته نهفته است که تمام موجودات با همه تنوع که دارا می باشند، از ریشه ها و گذشته های مشترک پدیدار گشته اند. با در نظر داشت این ویژگی ها، به باور نویسنده، میتوان دگرگونی های بطی ولی همیشگی را که در مسیر تکامل جوامع از "جهانی شدن بدوی" تا "دهکده جهانی" رو نما گردیده، نیز با کاربرد اصطلاح فرگشت افاده کرد.

نویسنده "جهانی شدن" را به مفهوم عام به مثابه یک فرایند پویای (Dynamic Process) روابط انسان ها، تاثیر پذیری فرهنگ ها، داد و گرفت کالاها، انتقال سرمایه و نیروی کار، آمیزه ای از کنش های ساختاری و مرتبط فرا مرزی و فرا قاره ای توصیف و تعبیر میکند؛ این پدیده ای تکامل اجتماعی یا فرگشت، از زمان باستان به این سو موضوع بحث بوده است. از این رو فرگشت جهانی شدن روابط جوامع انسانی هر گز یک با رگی و ناگهانی نبوده، بلکه این تنها شدت فرایند این روابط است که در درازای تاریخ همیشه سریع تر گردیده است. چنانچه دگرگونی های که در اثر کوچ و مهاجرت انسان های باستان درصد ها سال روی داده، در دهه ای سوم قرن

بیست و یکم، جامعه بشری شاهد دگرگونی های بارز و شگفت انگیز با بُعد زمانی چند هفته و حتی چند روزه است.

چون نویسنده در این "پژوهش نامه" تکامل تدریجی جوامع را از "جهانی شدن بدوی" تا "دهکده جهانی" ارزیابی میکند، از این رو واژه **فرگشت** را زیبنده و فراخور دانسته است. از سوی دیگر، چون در نوشتار دست داشته، در کنار رمز یابی تاریخی فرگشت جوامع، تاثیر گذاری ها و پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روابط بین المللی نیز ارزیابی میگردند، پس نویسنده کاربرد عنوان تحتانی "**جهانی شدن در پرتو اقتصاد سیاسی**" را نیز سازگار و مناسب میداند.

برای نوشتن هر اثری، کوچک و یا بزرگ، نخستین پرسش این است که نویسنده به آدرس چه کسانی و با کدامین تعهد مینویسد. این جانب دست کم از پنجاه سال به این سو، هم در بخش پژوهش دانشگاهی و هم در بخش سیاست های میدانی همواره در تکاپو بوده و نظر به نیازمندی های زمان با تحلیل و ارزیابی رویداد های مهم اشتغال داشته است. با یک نظر گذرا میتوان گفت که نویسنده در مسیر این راه پیمایی، از گفتگو در مورد ایدئولوژی های بحث انگیز سیاسی و آموزه های پرسش زای دینی تا مناقشات پیچیده طبقاتی و جدال های خانمان سوز تباری، با پیروی از روش شناختی اکادمیک پرداخته است. با در نظر داشت این معیار، در این جا نویسنده باز هم بر این امر صحنه میگذارد که این پژوهش نامه تنها و تنها به منظور "حقیقت یابی" تهیه گردیده و در آن تلاش بخرج داده شده است، تا بدور از "تفکر کلیشه سازی" و "فارغ از" بت واره پرستی"، خود به رمز گشایی یک سری از پدیده های بغرنج و دشوار دست یافته باشد. با در نظر داشت این نکته، دیدگاه های زاویه دار دگراندیشان از بدو امر یک اصل پذیرفته شده تلقی میگردند.

در اخیر شایان یادآوری است که این جانب، نوشتار دست داشته را به مثابه تافته ای بافته شده از خردگرایی انتقادی و تنیده شده از تجارب کارزار سیاسی پیش کش کرده، و غیر از "موازین پژوهشی دانشگاهی" و "وجدان سیاسی میدانی" به هیچ کسی حساب ده نمیباشد؛ آن هم به ویژه به علتی که نویسنده هیچ ادعای به کرسی نشاندن دیدگاه های طرح و تدوین شده در این اثر را ندارد.

مقدمه

ویرتال - ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۱

داکتر رسول رحیم

کتاب «فرگشت جهانی شدن - جهانی شدن در پرتو اقتصاد سیاسی»، اثر تحقیقی روشنفکر دانشمند و نامدار کشور داکتر سید موسی صمیمی از جمله آن آثار علمی در زمینه «جهانی شدن» است که دارای اهمیت بین المللی و فرامرزی می باشد. مقوله جهانی شدن که از دهه ۶۰ قرن گذشته بدین سو در برخی آثار تحقیقی کم و بیش به کار گرفته می شد، در دهه ۹۰ رواج بیشتر یافت. راهیافت ها و شیوه های برخورد به جهانی شدن نیز بسیار متفاوت بوده اند. کتاب های مشهور و پر فروشی که تاکنون در این زمینه انتشار یافته اند، عمدتاً مختص به جنبه های تفسیری مرحله متاخر آن، یعنی جهانی شدن سرمایه داری نولبرالیستی می باشند. در برخی از این کتاب ها وجوه خاص جهانی شدن مانند جهانی شدن پیشا مدرن، اخلاق جهانی شدن و امثال آن مورد نظر می باشند. آمار و پیش بینی های این کتاب های مشهور نیز بیشتر تا سال ۲۰۱۷ می باشند. در مقابل کتابی که در دست شماست، نه تنها یک اثر جامع، چند بعدی و مبتنی بر اقتصاد سیاسی و طرز نگرش انتقادی است، بل ارقام، مباحث و اسناد آن از بسا جهات کاملاً تازه و به روز شده است.

طوری که از نام اثر حاضر- «فرگشت جهانی شدن» معلوم می شود، در این کتاب جهانی شدن به مثابه یک پروسه پویای تاریخی مدنظر گرفته شده است که از سپیده دم تمدن بشری تا امروز ادامه داشته و «روابط انسان ها، تاثیرپذیری فرهنگ ها، داد و گرفت کالاها، انتقال نیروی کار و سرمایه، آمیزه ای از کنش های ساختاری و فرامرزی و فرا قاره یی» را در بر می گیرد. چنین نگرش تاریخی با تکامل تدریجی در بررسی همه پدیده ها و پروسه ها در این کتاب محسوس است که در موارد خاص آن، مولف تفاوت های ماهوی هر مرحله را با مرحله قبلی به روشنی کامل توضیح می نماید.

غالباً کتاب های مشهور در مورد جهانی شدن بیشتر از زاویه صرفاً «اقتصادی» به این موضوع نگریسته اند، این در حالی است که کتاب حاضر در ادامه عنوان اصلی اش، «جهانی شدن در پرتو اقتصادی سیاسی» را هدف مطالعه قرار داده است.

در یک تحلیل اقتصادی محض، توزیع منافع ناشی از فعالیت اقتصادی نادیده گرفته می شود، این درحالی است که در اقتصاد سیاسی توزیع مرحله اصلی را تشکیل می دهد. در تجزیه و تحلیلی که بنیاد آن اقتصاد سیاسی است، تعامل پروسه سیاسی و اقتصادی چه در سطح یک جامعه و چه در سطح جهانی در نظر گرفته می شود. توزیع قدرت و ثروت چه بین افراد و گروه ها در یک کشور واحد، و چه در سطح کشورها و یا اتحادیه کشورها، و پروسه های مختلفی که این روابط ایجاد نموده، حفظ کرده و در طول زمان تغییر داده است، همیشه مورد بحث می باشند. در یک بررسی مبتنی بر اقتصاد سیاسی علاوه بر افراد، گروه ها، دولت ها و قدرت های فراملی که مستقیماً از منافع اقتصادی و سیاسی بهره ور می شوند، ارزیابی نقش و جایگاه ایده ها و ایدئولوژی ها نیز نهایت مهم اند، زیرا در تدوین سیاست های اقتصادی موثر می باشند. مطالعه نهادها چه در سطح ملی و چه در سطح جهانی یکی از مباحث اصلی اقتصاد سیاسی است، چون همین نهاد ها هستند که قوانین بازی را تعیین کرده، رفتارهای اقتصادی را ساختارمند ساخته و به آن ها انگیزه می دهند. بنابراین، اقتصاد سیاسی به دلیل دامنه گسترده مورد مطالعه آن، یک علم بینا رشته یی است و علاوه بر اقتصاد، رابطه تنگاتنگی با علوم انسانی و اجتماعی دارد و مشحون از واژه های اختصاصی خودش می باشد که برای تبیین و توضیح پروسه و پدیده های مربوط بدان نیاز است.

کتاب «فرگشت جهانی شدن» یک کتاب تحقیقی یا اثر علمی معیاری است. این کتاب صرف سرهم بندی معلومات قبلی دیگران و سپس تحلیل آن ها نیست، بل یک تحقیق علمی است که هدف آن تولید و توسعه دانش خوانندگان در زمینه جهانی شدن می باشد. مولف نخست کوشیده است تا مسایل مربوط به جهانی شدن را از لحاظ اقتصاد سیاسی در نظر آورد و از میان آن ها مهم ترین شان را برگزیده و فرضیات در مورد آن ها را بصورت مدلل به آزمون بکشانند. بیشترین اسناد و مقالات که در این اثر مورد بحث و مهاجه قرار گرفته اند به استناد منابع اصلی و معتبر می باشند. طرز برخورد مولف در این کتاب به موضوع جهانی شدن متکی به یک متودولوژی نظام مند و مناسب می باشد که در آن از اسلوب های تحقیقی کمی، کیفی و ترکیبی استفاده شده است. او برعلاوه، به این اکتفا نکرده از متود ها و دستاورد های سایر دانشمندان نیز در قالب نقل قول های مفصل و متعدد، دیاگرام ها و حتی فرمول های ریاضی به قدر کافی یاد آوری نموده است، اما فرمول بندی نتیجه گیری ها در بسیاری موارد ملکیت علمی خود مولف است. اسلوب نگارش این کتاب در بافت یک نثر کارآمد، قابل فهم و زیبا تبلور یافته است. برای درک بهتر مطالب جدید پیچیده و نا مانوس که ایجاب بحث های مفصل را می نماید، مولف ارجمند با استفاده از تجربه غنی معلمی، از اسلوب ذو زئغه یی بهره برده است. یعنی نخست عنوان را با چند جمله مرتبط به اصل موضوع برگزیده و بعداً در یک متن مختصر مدخلی بر موضوع باز نموده و به تدریج مباحث را تا نقطه اوج آن دنبال می کند. سپس به تدریج مباحث و نتیجه گیری ها را کوتاه تر و فشرده تر ساخته و بالاخره به چند جمله استنتاجی نهایی می رسد.

داکتر صمیمی یک شخصیت با صلاحیت علمی و متخصص اقتصاد سیاسی است و از نزدیک به نیم قرن پیش با کوه های مسایل نهایت پیچیده و ناسفته اقتصادی دست و پنجه نرم می کرده است. صمیمی در نیمه اول دهه ۷۰ در یکی از دشوار ترین لحظات بحران مالی کشورهای غرب و فشار ناشی از آن بر کشورهای پیرامونی، موضوع رساله دکترایش را «نقش کشورهای پیرامونی در نظام پولی جهانی» برگزید. به اتکا شخصیت منضبط علمی و پشتکار بی مانندش، رساله دکترایش در دانشگاه بن با رتبه ممتاز پذیرفته شد. پس از آن چه در سال های تدریس در دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل، چه هنگامی که همکار «انستیتوت تیوری های انکشاف و سیاست انکشاف اقتصادی» دانشگاه بوخوم و رییس «بنیاد پژوهشی افغانستان» در جمهوری فدرالی آلمان بود و یا یک ربع قرن که مسوولیت و آمریت برنامه های دری و پشتو دویچه وله رادیو را بر دوش داشت، یک آن از کار پژوهشی در رشته اصلی اش فرو گذاشت نکرد. او در پهلوی مقالات متعددی که در این زمینه به زبان های انگلیسی و آلمانی نوشته و در نشریات مهم انتشار داده است، دو جلد کتاب استثنایی و نهایت با ارزش در زمینه اقتصاد سیاسی معاصر افغانستان ("گفتمان بحران افغانستان"، چاپ: ۲۰۱۴، ۴۵۹ صفحه ، و "کالبد شکافی بحران افغانستان"، چاپ سال ۱۳۹۶، ۴۰۰ صفحه) را تالیف نمود. داکتر صمیمی نه تنها در تحقیق موضوعات پیچیده و نامکشوف اقتصادی ید طولا دارد، بل در عرصه انتزاع برداشت های تحقیقی و نظریه پردازی های اقتصاد سیاسی جهانی شدن نیز گام های مهم و مطمینی به جلو گذاشته است. چنان که خودش به حق در پیشگفتار این اثرش می نویسد: «برخلاف جریان فکری عام شمول و مسلط در نهاد های معتبر مالی جهانی و اندیشکده های مهم سیاسی، نویسنده تقسیم بندی نوع خودش را بر پایه شاخص های معین اقتصاد سیاسی سنجش و ارایه میدارد. برای این تقسیم بندی نویسنده این شاخص ها را در نظر گرفته است:

❖ سطح تولید ناخالص داخلی،

❖ شاخص جهانی شدن،

❖ چگونگی لبخند تولید در رابطه با سهم سرمایه داخلی کشور ها در ارزش افزوده و ادغام شبه انباشت بدوی در انباشت سرمایه.

با پیروی از کاربرد همین شاخص ها، نویسنده کشور های جهان را، که در آستانه ای چند قطبی شدن قرار دارند، به این شش بخش تقسیم میکند.

(۱) کشور های خود مدار کلاسیک،

(۲) کشور های خود مدار نوظهور،

(۳) کشور های پیرامونی در آستانه خودمداری شدن،

(۴) کشور های پیرامونی آسیب پذیر با ظرفیت های خودمداری شدن،

(۵) کشور های آسیب پذیر نوکیسه با تندیس پرستی مصرفی و در اخیر

(۶) کشور های پیرامونی پر گسست در بند "چنبره اهریمنی"

با در نظر داشت مشخصات هریک از این کشور ها از یک سو، و با وجود رویارویی ایالات متحده امریکا و جمهوری خلق چین از سوی دیگر، سیمای نظام چند قطبی شدن جهان تصریح میگردد».

مولف برای اثبات نتیجه تحقیقاتش که نشانه های یک جهان چند قطبی و فرود امپراتوری ایالات متحد امریکا را در چشمرس می بیند، علاوه بر اشارات قبلی اش دایر بر توضیح استثنائات تاریخی و ساختارهای ویژه ای که ایالات متحده امریکا را بعد از جنگ جهانی دوم به یک ابر قدرت و در دهه نود به یک قدرت هژمون و یکه تاز تبدیل نموده

بود، بیش از ۱۵۰ صفحه دیگر را به شناخت هژمونی واشنگتن، ایده های قوام بخش این هژمونی، همایش های بین المللی موافق و مخالف، ظهور علایم ضعف و توضیح نهاد های جهانی برای کنترل بحران اختصاص داده است.

جمهوری خلق چین به مثابه جانب دیگر زوج مدعی قدرت جهانی که در حالت فراز پنداشته می شود، مانند ایالات متحد امریکا با تفصیل در خوری مورد ارزیابی قرار می گیرد. با توجه به سابقه فرهنگ سیاسی بیش از دو هزار ساله در چین که جای دولت شهرهای متعدد را یک اقتدار مرکزی می گیرد، اشاراتی به نقش عمده دولت در چین می شود که به نحوی تا امروز ادامه دارد. تضعیف چین در قرن ۱۹، سلطه استعمار و خیزش ها برای گسستن زنجیر حقارت، به قدرت رسیدن حزب کمونیست، سوسیالیسم نوع چینی، انقلاب صنعتی و استراتژی درهای باز، برداشت ها و سیاست های دولت چین در رابطه با مناسبات بین المللی این تابلو را تکمیل می نماید. در این ارتباط نزدیک به ۲۰۰ صفحه اختصاص یافته است.

از آن جایی که سرنوشت کشور ما و ملل مشابه دیگر و مسیر رویداد های سیاسی بزرگ جهانی را تعامل همین دو قدرت رقیب ایالات امریکا و چین تعیین می کند، نا گفته پیداست که شناخت از پوتانسیل های عینی و ذهنی و دیدگاه های هردو نسبت به روابط بین المللی ایجاب می نمود تا با چنین شرح و بسطی در مورد آن ها پرداخته می شد.

فکر می کنم برای نجات از مخمصه بهت زدگی و ندانم کاری، برای پویندگان متعهد و کوشای طریق صلح و رهایی افغانستان مطالعه فصل پایانی کتاب با عنوان «تباین و تبانی غول پیکرهای اقتصادی» با ضرورت و حتی ابرام توأم باشد. این بدان جهت است که اغلب مسایل مطروحه درمورد آینده افغانستان در رسانه های مورد استفاده مردم، نهایت بی مایه، سطحی، گمراه کننده و غیر مسوولانه اند. در همین فصل پایانی کتاب است که ما با محتوای اصلی بسیاری مقوله های جیو پولتیک، جیواستراتژیک و جیو ایکونومیک آشنا می شویم، در همین جاست که دورنمای استراتژی های امنیتی دو قدرت رقیب را حدس زده می توانیم که قراراست مسیر سرنوشت جهان را تعیین نمایند. در ذیل همین عنوان است که به تفاوت های جنگ سرد بین ایالات متحد امریکا و اتحاد شوروی پیشین و اختلافات کنونی بیجنگ و واشنگتن پی می بریم.

در روزگاری که شوربختی و فلاکت جسم و جان مردم را تسخیر کرده، ترس بر همه مستولی شده و شجاع ترین ها فقط از روی استیصال و نه بر مبنای یک آرمان متعالی انسانی و برنامه سنجیده شده سیاسی، دعوت به قیام می کنند، گفته دوران ساز ماری کوری در نواخانه جان به صدا در می آید که «از هیچ چیز در زندگی نباید ترسید، فقط باید فهمید. اکنون زمان درک بیشتر است، بنابراین شاید کمتر بترسیم!» فهم و درک معضلات دشوار روزگار و به ویژه کشور بلا کشیده ما افغانستان را روشنفکران متعهد ما آسان تر می گردانند. این کار را داکتر صمیمی انجام داده است. او با تکمیل این اثر تحقیقی گران سنگ اش که از شیر جان خود بر آن مایه گذاشته و سه سال آزرگار را وقف آن نموده است، می کوشد ما را از کابوس آبادی که روان ها را افسرده ساخته است به سوی یک آرمان شهر قابل تحقق رهنمون شود که بدون تردید کوشش های جمعی آگاهانه و پیگیر ما در تسریع رسیدن به آن نقش اساسی خواهد داشت.

داکتر سید موسی صمیمی در یک مفهوم بسیار به روز شده واژه، یک روشنفکر است، یعنی این که، او یک شخصیت اکادمیک است که در ارتباط با رشته تخصصی اش آثار تحقیقی مهم و قابل اعتنایی به وجود آورده است. او انسان آرمان گرایی است که به گفته خودش معتقد به فلسفه و نگرش انتقادی بوده و آرمان هایش پایه در واقعیت های تاریخی دارند. در عین زمان او انسان متعهد به بهروزی فرودستان، آزادی و کرامت همه انسان ها، صلح در افغانستان و صلح جهانی می باشد. این ویژگی های کاری و شخصیتی داکتر صمیمی در همه آثار و کنش های اجتماعی و سیاسی او مشهود بوده است و هرگز و به هیچ بهایی از آن منصرف نشده است. فشرده

آرمان شهر قابل دسترسی داکتر صمیمی را که در « چکیده » این کتاب آمده است، در سه جمله خلاصه نموده می توانیم:

- تامین رفاه همگانی به مثابه پاد زهر اندیشه نولیرالیزم
 - «پیمان همکاری» با کشورهای پیرامونی به جای «روابط امپریال»
 - نیاز به یک جنبش صلح گسترده و جهانی برای جلوگیری از برخورد امریکا و چین.
- برای من خواندن پیش از نشر این اثر بی مانند همکار، برادر و رفیق همانندیش مهربان و بزرگوام داکتر سید موسی صمیمی سعادت بزرگی بود و افتخار دارم که ملاحظات فشرده ام در مورد برخی ویژگی های آن اقبال نشر می یابد.

پیش گفتار:

گستره بررسی

"جهانی شدن" به مفهوم عام به مثابه یک فرایند پویای فرا قاره ای روابط انسان ها، داد و گرفت کالاها، انتقال سرمایه و نیروی کار، در واقع یک پدیده دیرینه تاریخی بوده که از بدو هجرت "انسان نوع متفکر" (هوموساپینس) از قاره افریقا و آن هم بیش از یک صد هزار سال موضوع بحث بوده است. چون شدت این روابط در "جوامع باستان"، نخست درنگ کننده، دیریاب و بطی بوده است، درست میتوان آنرا به مثابه "جهانی شدن بدوی" تشخیص و تعریف کرد؛ پدیده ای که پس از سیری شدن هزار ها سال و دگرگونی های بنیادی این روابط اکنون، در دهه ای سوم قرن بیست و یکم به شکل زیننده و فراخور به "دهکده جهانی" مسمی گردیده است. در نوشته دست داشته، اگر نویسنده از یک سو دیدگاه های غالب و چیره را در مورد "فرگشت جهانی شدن" در بوته انتقاد گذاشته، از سوی دیگر دینامیسم چند بعدی دگردیسی "فرگشت" را به تفصیل بررسی میکند.

با در نظر داشت همین دیدگاه "خردگرایی انتقادی" نویسنده "فرگشت جهانی شدن" را در هفت بخش به تفصیل تشخیص، تشریح و تحلیل میکند.

در **بخش اول**، نخست "جهانی شدن" به مثابه یک فرایند پویا و همیشگی، توام با ابعاد پنج گانه آن بازشناسی و ترسیم گردیده و پس از آن یک نگاه گذرا به فرآیند جهانی شدن باستان انداخته میشود؛ مراد از آن برهه تاریخی است که در آن نظام های "باچ گیر درونی و خراج گیر بیرونی" حکمفرما بوده و تازه پس از قرن شانزدهم پس از میلاد با ظهور و گسترش نظام سرمایه داری غارتگر در اروپای غرب، "جهانی شدن" استوار بر شیوه تولید سرمایه داری به مشخصه تعیین کننده تعاملات جوامع و تاثیر گذاری های بنیادی در روابط انسان ها تبدیل گردیده است. البته که این بخش توام با ارزیابی زیر ساخت های مادی جنگ های جهانی اول و دوم تا سال های ۱۹۴۵ ادامه پیدا میکند.

در **بخش دوم**، "جهانی شدن" پس از جنگ جهانی دوم ارزیابی میگردد که در آن نظر به توانایی های مادی بزرگ ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی، دو قدرت بزرگ زمان، جهان گویا دو قطبی گردیده و جنگ سرد بیداد میکند. در همین بخش، غرض شناسایی جهان به دو قطب، اهرم های ساختاری نظام پسا جنگ، از "کنفرانس یالتا" تا "کنفرانس برتون وودز" تشریح و تحلیل گردیده و پس از آن توانایی های مادی ایالات متحده امریکا در رابطه با استراتژی سه گانه "هژمونی، امپراتوری و غلبه بر کمونیسم" به شکل انتقادی ارزیابی میگردند. سپس بافت نظری نظام پسا جنگ، از "نوکیزیانیسم تا نولیرالیسم" در پیوند با "امپراتوری ایالات متحده امریکا" به

مثابه یک "فرماسیون استثنایی" تشخیص و نقد میگردد. شایان یادآوری است که بزودی در کشمکش بین دو قدرت امپراتوری امریکا و شوروی، فراز و فرود "جنبش غیر متعهد" از "دژ مقاومت سیاسی" تا "کارگاه تولیدی جهانی" نیز مورد بررسی قرار میگیرد. در اخیر همین بخش "مارکسیسم اتحاد جماهیر شوروی" به مثابه "شالوده سوسیالیسم واقعاً موجود" تحت "حکم روایی نومن کلاتورا" با نقش "مدیران عامل" به تفصیل ارزیابی میگردد.

در **بخش سوم**، که "جهانی شدن" پس از سال های ۱۹۹۰، یعنی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی موضوع بحث می باشد، مسئله "جهانی شدن تک قطبی ایالات متحده امریکا" در محور بررسی قرار میگیرد؛ در این جا نخست دکترین "پایان تاریخ" منسوب به فوکویاما، دانشمند علوم اجتماعی امریکا که در بند "نگاه ایدئالیسم تاریخی هگل" قرار دارد، ارزیابی گردیده؛ دکترینی که "استراتژی سلطه ای بلامنازع واشنگتن بر جهان" بر آن استوار میباشد. غرض مشخص ساختن بیشتر "جهان تک قطبی" نخست لایه سرمایه دار های فرامرزی و "دولت پنهان" در رابطه با "نخبگان کرسی نشین" در خدمت "غول پیکران مالی" ترسیم و ارایه میگردد. سپس همزمانی اقتصادی دو پدیده نا همزمان با معضل "ادغام" شبه انباشت بدوی" در "انباشت سرمایه جهانی" ارزیابی گردیده که با بخش "همایش اقتصادی جهان" در رویارویی با "همایش اجتماعی جهان" پیوند میخورد. در اخیر همین بخش "تک قطبی شدن جهان"، دوباره توانایی های اقتصادی امریکا، که بر فراز برج بزرگ منشی قرار دارد، با مثال "تولید ناخالص داخلی" آن کشور به مثابه فراز قبل از فرود امپراتوری امریکا ترسیم میگردد.

در **بخش چهارم**، "جهانی شدن" پس از سال ۲۰۰۸ که با فرود کشور های خود مدار کلاسیک و رستاخیز قدرت های نوظهور مشخص میگردد، بیانگر برهه ای جدیدی است در فرایند جهانی شدن. سال ۲۰۰۸، به مثابه آغاز برهه ای تاریخی است که در آن، نظر به اصل تعبیه شده بحران در درون ساختار شیوه تولید سرمایه داری، ناشی از جهانی شدن ارزش افزوده (ارزش اضافی) و بلند رفتن هزینه نظامی امریکا، نقش تک قطبی امپراتوری ایالات متحده امریکا خدشه دار گردیده و قطب بندی های تازه شکل میگیرند. در این بخش نخست بحران ترکیب "حباب مسکن و مستغلات" و همچنان تعبیر های مختلف این بحران به تفصیل مورد ارزیابی قرار میگیرند. در این راستا نهادهای سازی مدیریت بحران و بازنگری به تیوری های نولیبرالیسم و نوکینزیایسم" در محراق ارزیابی قرار میگیرند. سپس تحت عنوان "پیآمد های اقتصادی دگرگونی ساختاری کشور ها"، تقسیم بندی کشور های جهان به سوی "چند قطبی شدن" سر از نو تشخیص و پیشکش میگردد. در این جا، برخلاف جریان فکری عام شمول و مسلط در نهاد های معتبر مالی جهانی و اندیشکده های مهم سیاسی، نویسندگان تقسیم بندی نوع خودش را بر پایه شاخص های معین اقتصاد سیاسی سنجش و ارایه میدارد. برای این تقسیم بندی نویسندگان این شاخص ها را در نظر گرفته است:

- ❖ سطح تولید ناخالص داخلی،
 - ❖ شاخص جهانی شدن،
 - ❖ چگونگی لبخند تولید در رابطه با سهم سرمایه داخلی کشور ها در ارزش افزوده و ادغام شبه انباشت بدوی در انباشت سرمایه.
- با پیروی از کاربرد همین شاخص ها، نویسندگان کشور های جهان را، که در آستانه ای چند قطبی شدن قرار دارند، به این شش بخش تقسیم میکند.

۱) کشور های خود مدار کلاسیک،

۲) کشور های خود مدار نوظهور،

۳) کشور های پیرامونی در آستانه خودمداری شدن،

۴) کشور های پیرامونی آسیب پذیر با ظرفیت های خودمداری شدن،

۵) کشور های آسیب پذیر نوکیسه با تندیس پرستی مصرفی و در اخیر

۶) کشور های پیرامونی بحران زا در بند "چنبره اهریمنی"

با در نظر داشت مشخصات هریک از این کشور ها از یک سو، و با وجود رویارویی ایالات متحده امریکا و جمهوری خلق چین از سوی دیگر، سیمای نظام چند قطبی شدن جهان تصریح میگردد.

در **بخش پنجم**، تحت عنوان "امپراتوری ایالات متحده امریکا در بند افت تاریخی"، هویت اجتماعی، شخصیت سیاسی و استراتژی دونالد ترامپ، به مثابه یک "پوپولیست" و به ویژه به حیث بازتاب واپس گرایی "سرزمین استثنایی" به تفصیل ارزیابی میگردد. البته نظر به اهمیت تاریخی که این رییس جمهور "پوپولیست" دارا میباشد، تحت شش نکته ساختار فکری، کارنامه سیاسی، استراتژی او مبنی بر خروج از نهاد های جهانی تا یورش به کنگره امریکا توسط هواداران او، به مثابه واپسین پرده نمایشنامه تراژیدی-کمدی به تفصیل و توأم با پیروی از اصل انتقاد گرایی بازگو و بررسی میگردد. البته در اخیر همین بخش "پیروزی آسیب پذیر" جو بایدن، رییس جمهور که ترامپ را در انتخابات شکست داد، به مثابه یک توهم سیاسی برگشت به "سلطه بلا منازع امریکا" تحلیل میگردد.

از آنجایی که در جهان چند قطبی شدن، از همه مهمتر رقابت اقتصادی، خصومت های سیاسی و تلاش های تقویت نظامی دو قدرت بزرگ جهان، چین و امریکا مطرح می باشد، **بخش ششم** وقف دگرگونی حوزه تمدنی چین، از امپراتوری آسمانی تا "مريتوکراسی حزبی" گردیده، ویژگی های تاریخی، هویت فرهنگی و توانایی های اقتصادی این قدرت بزرگ نواخته ای قرن بیست و یکم هر یک به تفصیل تشخیص، تحلیل و بررسی میگردد. در این راستا تاریخ مبارزات حزب کمونیست چین، دشواری های مبارزه در جبهه ای نظامی، تباین و تبانی در عرصه سیاسی به شمول دگرگونی های بزرگ اقتصادی و فرهنگی تحت رهبری مائو تسه دون، دبیر کل حزب کمونیست آن کشور ارایه و ارزیابی میگردد. اینکه پس از مائو، به ویژه تحت ارشادات دنگ سیاو پینگ، کمونیست کهنه کار و با تجربه، چین به جهش بزرگ اقتصادی دست یافته، و این استراتژی تا زمان شی جن پینگ، دبیر کل حزب کمونیست دوام کرده و چین از یک کشور "کارگاه تولیدی جهان" به یک سرزمین بلند بالای فن آوری و اطلاعات تغییر کیفیت داده، به نوبت خود از اهمیت زیاد برخوردار بوده و ایجاب تحلیل و تفسیر را میکند. در اخیر همین بخش، پس از تشریح چگونگی نظام مختلط اقتصادی-سیاسی و تشخیص آن به مثابه یک "نظام مريتوکراسی حزبی" تحلیل گردیده و بزودی استراتژی دو گانه گسترش روابط امپراتوری چین تحت رهبری شی جن پینگ مورد غور و مذاقه قرار میگیرد.

پس از تشریح و تحلیل توانایی های چند بعدی امریکا و چین، به مثابه دو غول پیکر اقتصادی، در **بخش هفتم**، که بخش آخری و بسیار مهم تلقی میگردد، تباین و تبانی این دو قدرت بزرگ که خود را "سرزمین استثنایی" - امریکا - و "امپراتوری آسمانی" - چین - میخوانند به تفصیل ارزیابی میگردد. البته نویسنده در این بخش تنها با نگاه به خطرات تله ای "توکی دیدیس"، وقایع نگار پر بانگ یونان باستان، بسنده نکرده، سندرم درگیری حوزه نفوذی و امپراتوری جهانی را که در شاخص های چند لایه ای بازتاب می یابد، به کار میبرد.

در اخیر نوشته ای دست داشته، دور نمای تیره و تار "دهکده جهانی" و گذرگاه تنگ رهایی از "چنبره اهریمنی" نولیرالیسم و معضل "رفاه همگانی" به مثابه پس گفتار و چکیده پیش کش میگردد.

